



سیاسی  
پژوهشی

# ایران در دوره هاشمی و خاتمی

محمدتقی موسوی نیا  
کارشناس علوم سیاسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از نتایج آن گسترش ناگهانی تمایل دستیابی به تحصیلات عالی و ورود به دانشگاه و به تبع آن ورود به بازار کار هم از سوی مردان و به خصوص از سوی زنان بود. تحولات فوق باعث ورود خیل عظیم جوانان به دانشگاه‌ها و از میان برداشته شدن محدودیت‌های فعالیت‌های سیاسی زمان جنگ، به تدریج در کنار مطالبات اقتصادی و رفاهی اکثریت مردم، مطالبات سیاسی قشر تحصیل کرده و آگاه و روشنفکران که به اندک کورسوی فضای باز سیاسی موجود دل بسته بودند را سبب شد. ولی متأسفانه دولت هاشمی در هر دو دوره ریاست جمهوری در حیطه اقتصاد با اجرای برنامه تعدیل اقتصادی و بدون بررسی تبعات ناشی از برنامه فوق، صدمات جبران ناپذیری به بدنه نحیف و لرزان و متکی به نفت اقتصاد پس از جنگ ایران زد. دولت وی با اصرار بر ادامه سیاست‌های

جنگ، نیازهای فروخورده مردم به رفاه و تجملات و خدمات اجتماعی سیر صعودی یافت. همین مساله باعث گردید که کم‌کم سطح درآمدها و به واسطه آن توقعات اجتماعی مردم افزایش یابد که

نهمین انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسید و التهاب‌ها فرو نشست. التهاب این دوره از جنسی دیگر بود و به قولی طراوت و شادابی انتخابات گذشته را نداشت. برای ریشه‌یابی و پی بردن به علل و دلایل آن، می‌توان با نگاهی گذرا به تحولات نه چندان دور سال‌های اخیر، پی به واقعیت‌ها برد.

در دوران هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی محور اقدامات دولت بر مبنای توسعه اقتصادی قرار داشت. فضای حاکم بر دوران ریاست وی فضایی متأثر از پایان جنگ و نیاز شدید کشور به امر بازسازی و صدمات ناشی از جنگ هشت ساله و همچنین به علت فشارهای اقتصادی و تحریم‌های ناشی از آن، محیط جامعه به محیط بسته اقتصادی بدل شده و مردم به دسترسی حلقه‌ای به نیازهای اقتصادی خود بسنده می‌کردند. با پایان

در دوره دوم  
ریاست جمهوری  
خاتمی جامعه در  
برخی موارد به  
سال‌های قبل از  
اصلاحات  
بازگشت

اقتصادی به علاوه خصوصی سازی ناقص و ابتر که به نحوی از انحاء دولت تصدی گری آن را بر عهده داشت منجر به رانت خواری گسترده در این زمینه شد. سرمایه گذاری خارجی در بخش های کلیدی صنعت و اقتصاد بدون پشتوانه فنی و علمی متخصصان کشور و واردات بی رویه مواد اولیه و برپایی خطوط مونتاژ، همه و همه اقتصاد نوپای ایران پس از جنگ را به آن جایی رساند که در پایان دو دوره ریاست جمهوری هاشمی، دیون و بدهی های خارجی ایران به بالاترین حد خود در طول حیات جمهوری اسلامی رسید. افتتاح صنایع پروژه عمرانی و صنعتی بدون اختصاص بودجه لازم و نیمه کاره، رها شدن اکثر پروژه های مذکور، تنها و تنها باری گران بود که بر دوش دولت بعدی گذارده شد. دولت هاشمی که در دو دوره ریاست جمهوری خود، مهار تورم و کاهش نرخ بیکاری را سر لوجه اقدامات اساسی اقتصادی خود قرار داده بود، نه تنها از آن کاسته

نشد، بلکه روز به روز از قدرت خرید مردم کاسته شد. این عوامل در کنار بیکاری گسترده مخصوصا در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی و عامه مردم، تاثیر بسیار سویی بر پیکره اقتصادی ایران گذارد. اما از لحاظ توسعه سیاسی، وضعیت به گونه ای دیگر بود. کشور پس از پایان جنگ و حاکم شدن آرامش نسبی بر فضای جامعه، به سمت خود آگاهی فزاینده ای پیش می رفت. با رشد و گسترش محیط های دانشگاهی و هجوم جوانان بیکار جهت کسب تحصیلات عالی دانشگاهی، جامعه از لحاظ آگاهی و رشد سیاسی در رتبه ای بالا قرار گرفت. در این دوره با خواست گسترده زنان در راستای مشارکت در فعالیت های اجتماعی و علمی مواجه شدیم. ورود آنان به دانشگاه و محیط های کاری پایه پای مردان و درخواست مطالبات جدید از سوی این طبقه، همچنین رشد بسیار بالای گروه سنی جوان در جامعه، که ایران را به یکی از جوان ترین کشورهای جهان مبدل کرده بود، زمینه ساز درخواست مطالبات انباشته شده و فروخورده بسیاری از جوانان و تحصیل کردگان جامعه شد.

ایران در دهه هفتاد شاهد رشد و فزونی طبقه متوسط و تحصیل کرده ای شد که طالب دانستن و آگاهی و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی جامعه بود. رشد سریع مطبوعات اجتماعی و سیاسی و رواج گروه بندی های سیاسی به این مطالبات دامن می زد اما متأسفانه کوچک ترین اقدامی دال بر بها دادن به این شور و شوق ایجاد



## سیاست های اقتصادی هاشمی رفسنجانی رانت خواری را در گسترده ای را در پی داشت

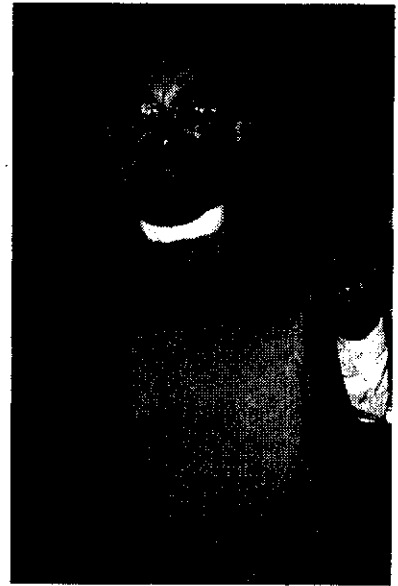
شده در هر دو دوره ریاست هاشمی دیده نشد. روشنفکران با استفاده از فضای به وجود آمده، شور و شوق خود را جهت همراهی و همدلی با جامعه جوان ایران ابراز نمودند. ولی با منکوب شدن جامعه روشنفکری و علمی و بسته شدن فضای نقد و نقادی، کوچک ترین نقدی را نسبت به این دوره بر نمی تافتند.

در این دوره بیشترین اجحاف نسبت به اهل قلم اعمال شد. مطبوعاتی هم که جرات ابراز نظر نسبت به سیاست های جاری کشور را به خود می دادند با کوچک ترین بهانه ای با تعطیلی مواجه می شدند. به طوری که اکثر روشنفکران و اهل قلم خانه نشینی اجباری را اختیار نمودند. در این حال سکوت سوال برانگیزی بر جو عمومی دانشگاه و دانشجویان حاکم بود، که این سکوت و پتانسیل اشباع شده در دوم خرداد ۷۶ فرصت غلیان

پیدا نمود و با انفجار خود، نویددهنده دوران جدید در فرایند تحولات جاری کشور شد.

با انتخاب محمد خاتمی در دوم خرداد ۷۶، پاسخ های بسیار روشن و گویایی به برخی سوالات بی پاسخ جامعه داده شد. شاید محمد خاتمی و اطرافیان او ایده آل و کمال مطلوب انتخاب کنندگان نبودند، ولی انتخابات مزبور جرعه و کورسویی بود بر جو سیاسی آن سال ها. خرداد ۷۶ شروع راه جنبشی بود که پیام اصلی آن فقط و فقط "آزادی" بود و بس. آزادی انتخاب و گزینش، آزادی بیان و افکار، آزادی حضور در اجتماعات سیاسی، آزادی های اجتماعی و... که کمترین مخالفتی را در جهت عکس مطالبات مزبور جامعه جوان ایران بر نمی تابد و آزادی به دست آمده را به هر عنوانی پاس می داشت.

دولت خاتمی بر عکس سلف خود، توسعه سیاسی را سر لوجه برنامه های خود قرار داده و اصلاحات در حوزه سیاست را مقدم بر توسعه اقتصادی قلمداد می نمود. از این رو دست به اقداماتی اساسی در زمینه آزادی مطبوعات، اصلاح قانون مطبوعات، آزادی نشر و پخش کتاب، آزادی فعالیت احزاب و گروه های سیاسی، آزادی برگزاری تجمعات سیاسی، راه اندازی و شروع به کار شوراهای اسلامی و... زد تا بتواند اندکی از مطالبات اساسی رای دهندگان، به ویژه نخبگان جامعه را جامه عمل ببوشاند. ولی در این راه پر سنگلاخ با دشواری ها و موانع عدیده ای روبه رو شد که دولت را مجبور به عقب نشینی در اکثر خواست ها و برنامه های خود نمود. این عقب نشینی و فشارهای پیرامونی تا اواخر دوره اول ریاست جمهوری وی ادامه داشت. در کنار موانع مزبور، مخالفان وی و اصلاحات، پاشنه آشیل دولت وی را در عدم توجه به توسعه اقتصادی و رسیدگی به رفاه و معیشت مردم می دانستند. به گونه ای که پس از انتخاب مجدد خاتمی به ریاست جمهوری، وی قسمت عمده ای از اقدامات دولت خود را حول محور اقتصاد قرار داد. بدین گونه بود که در دوره دوم ریاست خاتمی بر قوه مجریه، با دور شدن او از برنامه ها و اقدامات توسعه سیاسی خود، که بدان علت آراء خود را اخذ نموده بود، به تدریج از قدرت اجتماعی وی نیز که رای دهندگان و نخبگان جامعه بودند کاسته شد. و این همان خواست مخالفان برنامه های اصلاحی او بود که کم کم وی را به سمت اقدامات اقتصادی بلندمدت سوق دادند. در این زمان دولت اصلاحات، از رمق افتاده در برابر فشارهای بی امان



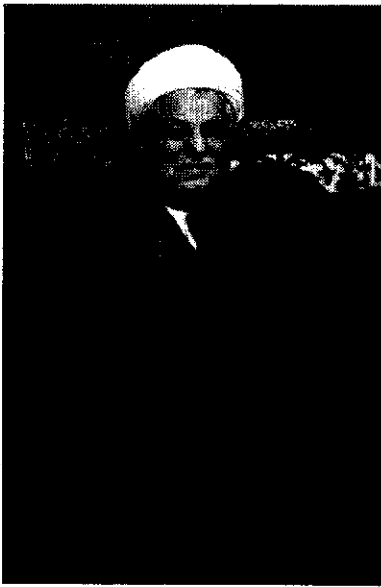
پیرامونی و حاشیه‌ای، هم از اقدامات و اصلاحات سیاسی بازمانده و رای دهندگان و حامیان نخبه خود را از دست داد و هم نتوانست برنامه ملنون و مشخصی جهت اقدامات عاجل اقتصادی کوتاه مدت و میان مدت در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد. به این صورت دولت اصلاحات به دولتی عقیم و از نفس افتاده تبدیل شد که نه تاب و توان مقاومت در برابر مخالفان خود، و نه یارایی پاسخگویی به خیل مطالبات انباشته شده و عملی نشده را داشت. دولت خاتمی در دوره دوم ریاست جمهوری خود در اکثر موارد، آن پیروزی‌هایی را که در دوره اول ریاست خود به دست آورده بود از کف داد و جامعه در برخی موارد به سال‌های قبل از اصلاحات بازگشت. همچنین جامعه جوان و دانشگاهی ایران که بدان گونه با اشتیاق در پی تغییر وضع موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب بودند، سرخورده از عملکرد سیاسیون و دولتیان سکوت اختیار کرده و به درون لاک‌انزواي خویش بازگشتند و نظاره‌گر شکست دولتی بودند که آن همه بدان امید بسته بودند.

حال با تمام این اوصاف، نمی‌توان گفت که دولت اصلاحات خاتمی، بدون دستاوردی ملموس و ارزشمند به پایان رسید. هر چند سنگ‌اندازی‌ها و موانع بی‌شماری در سر راه اصلاحات دولت وی گذارده شد، ولی با این حال تغییرات و اصلاحاتی را در حوزه سیاست و در سطح جامعه شاهد بودیم که به جرات می‌توان گفت در طول دوران بیست و پنج ساله انقلاب کم نظیر و یا حتی در مواردی بی نظیر بوده است. در وهله اول، جریان اصلاحات، مطالبات انباشته شده جامعه را که حتی فرصت

بروز و ظهور نیافته بود لاقفل در سطح عمومی مطرح نمود. در وهله دوم، به شمار قابل توجهی از مطالبات مزبور جامه عمل پوشانید. آزادی‌هایی که در سطح اجتماعی پدیدار شد نمونه کوچکی از فضای عمومی زمان اصلاحات است. مطبوعات در زمان اصلاحات به سطحی از آگاهی و اطلاع‌رسانی رسیدند که تا حدودی تا قبل از جریان بسته شدن قله‌ای مطبوعات، کوس برابری با اکثر کشورهای آزادیخواه را می‌زدند. جامعه ایران در سطح بین‌المللی از وجهه و پرستیژ بسیار بالایی برخوردار گردید و سیاست تنش‌زدایی دولت اصلاحات باب مراده با اکثر کشورهای همسایه که ایران را کشوری متخاصم می‌پنداشتند، به عنوان کشوری منطقی و صلح‌طلب باز نمود و ایران در سطح منطقه به عنوان کشوری میانجی در بحران‌های منطقه‌ای عمل نمود. دولت خاتمی و مخصوصا شخص وی که خود را مسوول و پاسخ‌گویی عامه مردم می‌دانست، جریان پاسخ‌گو بودن و مسوول بودن در قبال تمامی مردم را در



سطح سیاسیون نهادینه کرد، پروسه مردم‌سالاری دینی در داخل ایران و به‌خصوص در کشورهای اسلامی به عنوان ال‌ترناتیوی جدی در برابر دیگر مدل‌های دمکراسی خواهی از اعتبار و منزلت بالایی برخوردار گردید. همچنین است تئوری گفت‌وگوی تمدن‌ها در برابر برخورد تمدن‌های جامعه غربی، و مطرح شدن آن در سطح بین‌المللی، ایران را تبدیل به قطبی صلح‌جو در برابر ستیزه‌جویی‌های تمدن غربی کرد در کنار اقدامات فوق، سیاست تساهل و مدارا چه در عرصه سیاست و چه در عرصه دین که ایران و به‌خصوص اسلام را به عنوان دین رحمانی و تساهل‌مدار در برابر قرائت و خوانش افراطیون از دین که اسلام را به عنوان دینی خشن و بدون گذشت عنوان می‌کردند



مطرح شد، حال پس از نهمین انتخابات ریاست جمهوری ما با دو تجربه متفاوت روبه‌رویم. تجربه هشت ساله توسعه اقتصادی با تمام دستاوردها و شکست‌های آن و تجربه هشت سال توسعه سیاسی با تمام فراز و نشیب‌های آن، رئیس‌جمهور آینده جدای از برنامه‌های آتی خود، باید دو تجربه فوق را در نظر داشته باشد و بداند که در آستانه قرن بیست و یکم، تجربه موجود در کشورمان و همچنین تجربه موجود در کلیه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، گویای این واقعیت است که توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی دو ابزار کلیدی توسعه همه‌جانبه محسوب می‌شود و متوسل شدن به یکی و رها کردن دیگری و همچنین غافل شدن از ابزارهای دیگر توسعه همه‌جانبه منجر به توسعه‌ای ابر و ناقص می‌گردد که جز شکست، پایانی برای آن متصور نیست. در حال حاضر کلیه کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه برای دستیابی به توسعه فراگیر، نیاز به همراهی کلیه ابزارهای توسعه به صورت هم‌زمان و پایاپای دارند و غافل شدن و کاستی در هر یک از ابزارهای فوق، توسعه را از مسیر اصلی خود خارج می‌سازد. حال برای رسیدن به توسعه‌ای همه‌جانبه و فراگیر باید کلیه ابزارهای توسعه فراگیر اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به صورت هم‌زمان و آهسته ولی پیوسته به ایفای نقش پردازند که بدینگونه کشور در بلندمدت به توسعه‌ای فراگیر و ریشه‌دار دست می‌یابد و امیدواریم رئیس‌جمهور منتخب، تجربیات به دست آمده در دوره‌های گذشته را با برنامه‌های حال خود آمیخته، آینده‌ای پر بار را برای ملت بزرگ ایران رقم بزند